



دکتر نرسی قربان

خطوط لوله نفت و گاز و امنیت ملی ایران

پرونده این ماه، انرژی و امنیت ملی نگاه کارشناس

از لحاظ کلی، ایران نیازی به انتقال لوله‌های نفت و گاز از سایر کشورها ندارد و صادرات نفت ایران از طریق خلیج فارس صورت می‌گیرد. بنابراین ایران در زمینه انتقال نفت و گاز خود با مشکلات استراتژیک روبه‌رو نیست. ولی مجموعه‌ای از لوله‌های انتقال نفت وجود داشت که اگر از ایران رد می‌شد و با ایران تعامل می‌شد، حتماً موقعیت بهتری به ایران می‌داد.

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بحث بزرگی درباره لوله‌های انتقال نفت و گاز در گرفت. در دهه ۱۳۷۰، صحبتها در داخل ایران بر سر این بود که اگر بتوانیم بخشی از نفت دریای خزر را به پالایشگاه‌های تهران، تبریز و اراک برسانیم، نه تنها دیگر مجبور نیستیم با هزینه زیاد نفت را از طریق جنوب به شمال کشور منتقل کنیم، بلکه می‌توانیم از فاصله قیمت نفت دریای خزر و نفت خلیج فارس نیز بهره‌مند شویم و از لحاظ استراتژیک نیز باعث می‌شد که آن کشورها به ما متکی شوند. متأسفانه این اتفاق نیفتاد و خط لوله باکو - جیحان با فشار سیاسی - و نه با فشار اقتصادی - احداث شد. بخشی از این مسئله به دلیل فشارهای آمریکا بود، ولی قسمتی از آن هم به دلیل کم‌کاری خود ایران بود و اگر خط لوله نکا - تهران را مدتها پیش از خط لوله باکو - جیحان تأسیس می‌کردیم، می‌توانستیم بهره بسیار ببریم. این در حالی بود که ما تکنولوژی لازم را داشتیم و امکان ایجاد خط باکو - جیحان را به لحاظ اقتصادی دشوارتر می‌ساختیم.

در حال حاضر، دو خط لوله انتقال نفت وجود دارد که تقریباً هر دو آنها نیز یکی است. نخست، خطی که نفت کاشگان را در قزاقستان به طرف ایران حمل می‌کند و ۵۰۰ هزار بشکه به پالایشگاه‌های ایران نفت می‌رساند و در مقابل، ایران از جنوب نفت صادر می‌کند. این موضوع از لحاظ موقعیت ایران در اوپک نیز بسیار مهم است. چون سهمیه‌های صادرات نفت اوپک نه بر مبنای صادرات بلکه بر مبنای تولید است، در نتیجه اگر مصرف داخلی ایران دائماً زیاد شود، از اهمیت ایران کاسته خواهد شد. اما اگر ایران نفت همسایگان شمالی را مصرف کند، بر تولیدش افزوده می‌شود. خط بعدی، خطی است که مستقیماً از کاشگان قزاقستان به دریای عمان کشیده می‌شود که این گزینه ارزش کمتری برای ایران دارد.

درباره صادرات گاز - برخلاف نفت - بحثهای عمیقی در کشور وجود دارد. عده‌ای مخالف صادرات، عده‌ای موافق آن و عده‌ای هم موافق صادرات اندک گازند. این بحث

دست‌کم در ۱۰ سال گذشته به نتیجه نرسیده است. وقتی درباره لوله‌های انتقال گاز حرف می‌زنیم، به صادرات آن می‌پردازیم. برای این کار فهرست بلندبالایی از برنامه‌ها و قراردادهای منعقد شده داریم که بخش محدودی از آنها هم اجرا شده است. بخشی که اجرا شده است خط ایران - ترکیه است. ایران سالیانه ۷ میلیارد متر مکعب گاز به ترکیه صادر می‌کند و مشکلاتی در این زمینه هم وجود دارد که هم در حوزه قرارداد است و هم ناتوانی در تأمین گاز لازم در فصل زمستان. ترکیه هم بارها شکایت خود را از ایران مطرح کرده و گاه خواستار غرامت هم شده است. رقیب ما در این حوزه، روسیه است با خطی که از زیر دریای سیاه کشیده و می‌کوشد تمام این خطوط را در کنترل خود داشته باشد.

مسئله دیگر آذربایجان و نخجوان است. ما مقداری گاز از آذربایجان می‌گیریم و به نخجوان نیز گاز می‌دهیم، چرا که از لحاظ جغرافیایی آذربایجان قادر به انتقال گاز به نخجوان نیست.

پروژه دیگری که تا اندازه‌ای نیز موفقیت‌آمیز بوده، خط لوله ایران و ارمنستان است. ۱۶۰ کیلومتر از آن در خاک ایران و ۱۲۰ کیلومتر در خاک ارمنستان قرار دارد. مسئله‌ای که شاید فکری برایش نشده این است که شرکت گاز-پروم تمام سیستم داخلی خطوط انتقال آنها را خرید و بدین ترتیب گازپروم تا حدودی بر صادرات گاز ما به ارمنستان نظارت می‌کند و این در حالی است که ایران باید این کار را می‌کرد.

مسئله دیگر قرارداد شرکت ای.جی.ال در سوئیس است که قراردادش بسته شده و از طریق خطوط موجود، گاز به ترکیه و از ترکیه به یونان می‌رسد و قراردادهای فی‌مابین هم با ترکیه و یونان منعقد شده است. مقدار این گاز نیز قرار است به ۵ میلیارد متر مکعب در سال برسد، ولی هنوز حجم آن یک میلیارد متر مکعب در سال است.

اما از جمله کارهایی که انجام نگرفته و ممکن است انجام بگیرد، احداث خط لوله انتقال گاز ایران به شبه‌قاره هند است. نکته جالب این است که نام این خط لوله را خط لوله صلح گذاشته‌اند. این خط با مشکلات جدی روبه‌روست. بحث بر سر قیمت، ترانزیت، مسائل سیاسی بین هند و پاکستان موجب شده که عده‌ای گمان کنند این کار شدنی نیست. اما من معتقدم دست‌کم در درازمدت این کار انجام خواهد شد.

بحث دیگر، خط لوله انتقال گاز ایران به شارجه است که قرارداد این خط امضا شده، اما بر سر قیمت اختلاف است و هنوز به نتیجه نرسیده است.

اما موضوع خط لوله ایران به اروپا که چندین شرکت معتبر در آن زمینه کار می‌کنند، جدی‌تر و احتمال اینکه این کار انجام بگیرد زیاد است. اروپا تمایل بسیاری به جایگزینی منابع تأمین انرژی خود به‌غیر از روسیه دارد و برای تضمین امنیت تأمین گاز خود، به‌رغم وجود تحریمها این موضوع را با جدیت دنبال می‌کنند.

اما برای دستیابی ایران به اهداف مدنظر خود، اقدامات هفتگانه زیر باید انجام گیرد:

۱ حذف سوبسیدهای زاید. وقتی از سوبسید حرف زده می‌شود با هدف اینکه نفت و گاز تولیدی، ارزان به‌دست مردم برسد، سیاست فروش نفت بر مبنای قیمت آمریکا به مردم خودمان مطرح می‌شود. این در حالی است که ما نفت را خودمان تولید می‌کنیم و ممکن قیمت تمام شده آن ۲۰ دلار باشد. ما می‌توانیم رانت ۸۰ دلار از مردمان خودمان بگیریم یا نگیریم. وقتی می‌گوییم سوبسید، در مورد هزینه‌هاست، یعنی شرکت ملی نفت از جیب خودش برای تولید نفت پول خرج نکند، اما آن را تولید کند و به قیمت ارزان به‌دست مردم خودمان برساند. ما می‌توانیم سوبسید را برداریم اما نه این که لزوماً قیمت نفت و گاز را برپایه قیمتی که در آمریکا و ژاپن به فروش می‌رسد در نظر بگیریم.

۲ ایجاد ذخایر گازی برای حل مشکل زمستان که متأسفانه توجه چندانی به این امر نشده بود.

۳ وارد کردن گاز بیشتر از ترکمنستان. برای اینکه هر چه از ترکمنستان گاز وارد کنیم، می‌توانیم گاز خودمان را به چاه‌های نفت تزریق و در مقابل آن نفت را بفروشیم که از لحاظ اقتصادی بهترین بازده را دارد.

۴ تغییر ساختار نفت و گاز. ساختاری که در سالهای گذشته حاکم بوده، در حال حاضر پاسخگو نیست. باید کاری کرد که شرکت ملی نفت ایران فقط کار نفت، و شرکت ملی گاز ایران فقط کار گاز را انجام دهند.

۵ جدی تلقی کردن خصوصی‌سازی. در مرحله اول ضرورتی ندارد که دولت پالایشگاه‌ها و تأسیسات موجود را خصوصی کند، بلکه باید کارهای جدیدی را که قصد انجام دادن آن را دارد، به بخش خصوصی بسپارد. چون اگر بخش خصوصی از ابتدا وارد پروژه‌ها شود، موفق‌تر خواهد بود.

۶ باید به ملت ایران اجازه دهیم در نفت سرمایه‌گذاری کند. یعنی به طرق جدید به فاینانس پروژه‌ها بپردازیم. اگر به ملت ایران اجازه دهیم که با پول خود، حتی به دلار سرمایه‌گذاری کند، بی‌شک همان مقدار پولی که مثلاً توتال سرمایه‌گذاری می‌کند، از داخل ایران جمع می‌شود.

۷ در مسائل نفت و گاز باید گروه‌های تخصصی تصمیم‌گیری کنند. اگر تصمیم‌گیری را در این حوزه به گروه‌های سیاسی که فقط دیدگاه‌های سیاسی دارند بسپاریم، این کار مضر است.

